

به نام خدا

المپیادهای زیست‌شناسی ایران

مرحله اول

جلد سوم (دوره هفدهم تا بیست و دوم)

مؤلفان:

دکتر سید محمد مهدی دستغیب
(طلای کشوری ۱۳۷۸ و برنز جهانی ۱۹۹۹)

دکتر سید محمد سعادت آگاه
(طلای کشوری ۱۳۸۵)

دکتر رضا شاه‌نظر نژاد خالصی
(طلای کشوری ۱۳۸۷)

معین قاسمی
(طلای کشوری ۱۳۹۵ و نقره جهانی ۲۰۱۷)

ابوالفضل جوهری
(نقره کشوری ۱۳۹۷)

محمد الهی
(نقره کشوری ۱۳۹۲)

مهسا حیدری
(برنز کشوری ۱۳۹۷)

محمد حسین غفاری
(نقره کشوری ۱۳۹۶)

امیر حسین شاهسونند
(طلای کشوری ۱۳۹۸ و برنز جهانی ۲۰۲۰)

سرشناسه
 عنوان و نام پدیدآور
 مشخصات نشر
 مشخصات ظاهری
 فروست
 شابک
 وضعیت فهرست‌نویسی : فبا
 جلد سوم تألیف سید محمد مهدی دستغیب؛ سید محمد سعادت آگاه، رضا شامشقر خالصی و محمد الهی است.
 یادداشت
 یادداشت
 مندرجات
 موضوع (المیادهای زیست‌شناسی)
 موضوع Olympiads (Biology)
 موضوع زیست‌شناسی -- مباحثها
 موضوع Biology -- Competitions
 موضوع زیست‌شناسی -- آزمون‌ها و تمرین‌ها (متوسطه)
 موضوع Biology -- Examinations, questions, etc. (Secondary)
 اصغریان، حسینی، ۱۳۶۱
 شناسه افزوده
 رده بندی کنگره
 رده بندی دیویی
 شماره کتابشناسی ملی

مقدمه

همیشه نگارش مقدمه کتاب از چالش برانگیزترین مراحل تالیف کتاب است. از طرفی فرصتی (شاید تنها فرصت) است که می‌توان در یک کتاب به شکل مستقیم و صمیمی با خواننده صحبت کرد، از طرفی دیگر حرف برای گفتن بسیار است و انتخاب بهترین موضوع برای نوشتن در این بخش از کتاب معمولاً عامل سردرگمی است.

این بار تصمیم گرفتیم کمی گسترده‌تر از آنچه در متن اصلی کتاب به آن پرداخته شده، افکارمان را با شما در میان بگذاریم. حتماً برای شما پیش آمده که در خلوت خود به دغدغه‌های اصلی و مهم زندگیتان فکر کنید. قطعاً ما نیز از این قاعده مستثنی نیستیم. فکر کردن به اینکه چیزی در حدود یک سوم از عمرمان گذشته است ما را بر آن می‌دارد تا بخواهیم کارنامه این سالیان خود را تحت حسابرسی قرار دهیم. شاید اگر با طرز تفکر دو سه سال گذشته خود می‌خواستیم این حسابرسی را انجام دهیم موفقیت‌های به‌دست آمده در آزمون‌ها و جشنواره‌های مختلف باعث می‌شد نسبت به آنچه تا به حال انجام داده‌ایم کاملاً احساس رضایت کنیم. اما امروز، آنچه در ذهنمان می‌گذرد باعث می‌شود تا آنچه انجام ندهایم را بسیار مهم‌تر و بزرگ‌تر از آنچه انجام داده‌ایم تلقی کنیم. وقتی از خود می‌پرسیم که در قبال کودکان کار، کودکان بی‌سرپرست، کودکان تحت پوشش بنیاد کودکان یا مؤسسه محک چه کار کرده‌ایم باید سرافکننده سکوت کنیم. آیا تمام وظایفمان در قبال خانواده و پدر و مادرمان را به خوبی انجام داده‌ایم؟ چند درصد از وقتمان به کارهای عام‌المنفعه اختصاص داشت؟ در خارج از زمان اجباری حضور در بیمارستان چقدر برای بیماران و همراهان وقت گذاشتیم؟ رفتارمان با بیماران کاملاً مستقل از طبقه اجتماعی اقتصادی آنها بوده است؟ آیا آنچه در غالب مسئولیت اجتماعی انجام داده‌ایم تمام آن چیزی بوده که از عهده ما برمی‌آید؟ یعنی در مقابل این همه مشکل که گریبان‌گیر جامعه است هیچ کاری نمی‌توانستیم انجام دهیم؟ گاهی اوقات یادمان می‌رود که بزرگی انسان‌ها به رتبه و معدل و مدال و تندیس نیست و انسان‌ها به اندازه دغدغه و احساس مسئولیتی که بر دوش خود احساس می‌کنند بزرگ هستند. ذهن درگیر است و پر از سؤال، در انتها با یادداشتی از دکتر فرهاد میثمی که در مقدمه یکی از آخرین کتاب‌های اندیشه‌سازان نوشته شده بود سخنان را خاتمه می‌بخشیم. خواهش می‌کنیم این متن را پس از هر آزمونی که احساس کردید در آن شکست خوردید و زندگی را در برابر خود تیره و تاریک دیدید مطالعه کنید.

«دوست گرامی سلام؛

کنکور باز هم آمد و رفت و باز همچون همیشه هر رقابتی، عده معدودی به آنچه می‌خواستند رسیدند و عده کثیری از آنچه می‌خواستند بازماندند و ما نمی‌دانیم تو که خواننده این سطور هستی از کدام گروهی، اما یک چیز را می‌دانیم و از آن بیم داریم. از آن بیم داریم که در میان این هیاهوها، شخصیت

انسانی تو تبدیل به یک عدد شده باشد، حالا یک رقمی یا دو رقمی یا سه یا چهار یا n رقمی اش فرق نمی‌کند. این روزها، روزهایی است که همگان خودشان را به صورت یک عدد می‌بینند که در پای کارنامه‌شان درج شده؛ و این موضوع، مستقل از آنکه آن عدد چند باشد، کوچک باشد یا بزرگ، یک رقمی باشد یا n رقمی، چیزی نیست جز به حقارت کشیدن ظرفیت‌های وجودی انسان. زندانی‌ها از وقتی وارد زندان می‌شوند، دیگر نام و فامیل و هویت بیرونی ندارند؛ تبدیل می‌شوند به یک شماره که در همان بدو ورود به زندان، پلاک آن را می‌اندازند گردنشان و یک عکس روبرو و یک عکس نیم‌رخ از آنها می‌گیرند و آن زندانی از آن پس خودش را با آن شماره معرفی می‌کند. از آن پس یک عدد است نه یک آدم و چقدر سخت است که ما هر سال شاهد یک زندان ۱/۵ میلیون نفری باشیم که همه آدم‌های آن به یک شماره تبدیل می‌شوند و از این نظر بین آنها فرقی نیست، حتی شماره‌های ۱، ۲ و ۳ اش عکس تمام‌رخ‌شان را می‌بینند که اینجا و آنجا چاپ می‌شود. اگر عکس نیم‌رخ‌شان هم چاپ می‌شد در کنار همان تمام‌رخ، شاید اندکی به خود می‌آمدند و از قید غرور خطرناکی که می‌تواند تا سال‌ها زندانشان کند خلاصی می‌یافتند و آن یکی‌ها که رقمشان بیشتر از آنی است که می‌خواستند به کنجی می‌خزند و خود را در زندان غم اسیر می‌کنند. زندانی، زندانی است. چه فرقی می‌کند که زندانی غرور باشد یا زندانی غم و اینکه انسان با تمام ظرایف روحی‌اش، با تمام حساسیت‌هایش، با تمام انسانیت‌هایش، با تمام دغدغه‌هایش، با تمام خوبی‌هایش (بیشتر) و بدی‌هایش (کمتر) را تبدیل کنیم به یک عدد و این بشود معیار ارزش‌گذاری، چیزی نیست جز به حقارت کشیدن وجود بشر و مایه تأسف بسیار است. حقا که بد امانتداری هستیم.»

اما این با توست که در میان این قیل و قال از کدام گروه باشی. می‌توانی به این حقارت تن دهی و همراه با جریان سیلابی که شخصیت انسانیت را به قهقرا می‌برد، همراه می‌شوی. می‌توانی در غرور رتبه خود گم شوی یا در غم رتبه‌ای که مناسب خودت نمی‌دانی اسیر. اما می‌توانی جور دیگری هم باشی. می‌توانی زنجیرها را پاره کنی، خودت را از زندان تنگ آن چند رقم لعنتی رها کنی، به سوی حقیقت فرار کنی، ریه‌هایت را پر از اکسیژن انسانیت کنی، بر فراز قلّه توانایی‌های بشر بایستی، دستان‌ت را از هم باز کنی و بلند فریاد بزنی: «من یک انسانم، با تمام ابعاد متنوعی که یک انسان دارد و با تمام خصوصیات که بسیاری از آنها منحصر به فرد هستند. زنجیرها را پاره کرده‌ام و مسیر عروج را می‌بینم که چقدر راه‌های مختلف دارد. من باز به پیش خواهم رفت.»

مرحله ۱

۱ هفدهمین المپیاد زیست‌شناسی ایران

- ۲ پرسش‌های چندگزینه‌ای
 ۱۶ پرسش‌های آزمون تشریحی
 ۱۸ پاسخ پرسش‌های چندگزینه‌ای
 ۴۶ پاسخ پرسش‌های تشریحی

مرحله ۱

۴۹ هجدهمین المپیاد زیست‌شناسی ایران

- ۵۰ پرسش‌های چندگزینه‌ای
 ۶۵ پاسخ پرسش‌های چندگزینه‌ای

مرحله ۱

۸۹ نوزدهمین المپیاد زیست‌شناسی ایران

- ۹۰ پرسش‌های چندگزینه‌ای
 ۱۰۲ پاسخ پرسش‌های چندگزینه‌ای

مرحله ۱

۱۳۹ بیستمین المپیاد زیست‌شناسی ایران

- ۱۴۰ پرسش‌های چندگزینه‌ای
 ۱۵۶ پاسخ پرسش‌های چندگزینه‌ای